

روزشمار سفر حسین بن علی (ع)

روز بیست و هشتم ذی الحجه سال 60 هجری قمری امام حسین (ع)...



حسین (ع) امروز کجاست ، چه می کند و چه می گوید؟
روزشمار سفر حسین بن علی (ع)

* ۲۸ ذی الحجه سال شصتم هجری قمری

توقف در عذیب الہجانات

روز بیست و هشتم ذی الحجه سال 60 هجری قمری امام حسین (ع)

به منزل عذیب الہجانات رسیدند.

در این منزل چهارسوار به نامہای نافع بن ہلال، مجمع بن عبد اللہ، عمرو بن خالد و طرماح در حالی کہ اسب نافع بن ہلال کہ کامل نام داشت را یدک کردہ بودند از راہ رسیدند و راہنمای آنها طرماح بن عدی بود، ہنگامی کہ بر امام حسین (ع) وارد شدند حر روی بدانہا کرد و گفت: این چندتن از مردم کوفہ اند، من آنها را بازداشت کردہ و یا بہ کوفہ برمی گردانم.

امام (ع) فرمود: من اجازہ چنین کاری را بہ تو نمی دہم. و همانطوری کہ خود را از گزند تو حفظ می کنم از آنان نیز محافظت خواہم کرد زیرا اینہا یاران منند همانند اصحابی کہ با من از مدینہ آمدند، پس اگر بر آن پیمان کہ با من بستہ، استواری، آنها را رہا کن و گرنہ با تو می جنگم، حر از بازداشت آنها صرف نظر کرد.

طرماح بہ امام (ع) عرض کرد: با شما یاران اندکی را می بینم و ہمین لشکریان حر در مبارزہ بر شما غالب آیند و من یک روز پیش از آمدن از کوفہ، مردم انبوهی را در بیرون شہر دیدم پرسیدم کہ اینان کیانند؟

گفتند: لشکری است کہ سرگرم ہستند کہ آمادہ جنگ با حسین گردند و من تاکنون چنین لشکر عظیمی را ندیدہ بودم تو را بہ خدا سوگند

تا توانی بہ آنان نزدیک شو و اگر خواہی کہ در مأمنی فرود آبی کہ سنگر تو باشد تا تدبیر کار خویش کنی و تو را چارہ کار معلوم گردد، با من بیا تا تو را در کوفہ اجا فرود آوردم، بہ خدا سوگند کہ این کوفہ

سنگر ما بودہ و ہست و ما را از پادشاہان عنان، حمیر و نعمان بن منذر حفظ کرد و بہ خدا سوگند ہیچ گاہ تسلیم نشدیم و این خواری را

بہ خود نخریدیم قاصدی نزد قبیلہ طی در کوفہ اجا و سلمی بفرست

دہ روز نگذرد کہ قبیلہ طی سوارہ و پیادہ نزد تو آیند و تا ہر زمان خواہی نزد ما باش و اگر خدای ناکردہ اتفاقی رخ دہد من با تو پیمان می بندم کہ دہ ہزار مرد طائی پیشروی تو شمشیر زنند و تا زندہ اند نگذارند دست ہیچ کس بہ تو رسد.

امام (ع) فرمود: خداوند تو را و قبیلہات را جزای خیر دہد ما و

این گروہ یعنی اصحاب حر پیمانی بستہ ایم کہ نمی توان از آن بازگردم و معلوم نیست عاقبت کارما و آنها بہ کجا می انجامد اگر قصد یاری داری شتاب کن، خدا تو را ببخشد.

طرماح می گوید: دانستم بہ یاری مردان محتاج است نزد اہل خویش رفتہ و آنها را اصلاح نمودہ و وصیت کردم و در بازگشت شتاب کردم، اہل من از علت شتابم جويا شدند مقصود خود را گفتم و از راہ بنی ثعل روانہ گردیدم تا بہ عذیب الہجانات رسیدیم سماعہ بن بدر را ملاقات کردم و او خبر کشتہ شدن امام حسین (ع) را بہ من داد سپس بازگشتم.